

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۵ مارچ ۲۰۱۹

شکست داعش در سوریه پایان تروریسم امپریالیستی نیست

لأنه تروریستها ممالک امپریالیستی و یا همدستان منطقه‌ای آنها است. تروریسم که به اقدامات خرابکارانه؛ قتل؛ تجاوز؛ تبهکاری ضد بشری و... دست می‌زند ماهیتاً ضد مردمی بوده و هیچ گاه دارای پایه توده‌ای نخواهد بود. توده‌ها از تروریسم متنفر اند. به این جهت تروریسم همواره موجودی بیگانه؛ منفرد و منزوی است.

در قرن بیست و یکم تروریسم به صورت ابزاری سازمانیافته و تعلیم دیده از جانب امپریالیسم علم شده است که برای اعمال تبهکاری‌های خویش که مورد نظر امپریالیسم می‌باشد و در متن سیاست ستراتیژیک آنها جریان دارد، هم مستمری از جانب آنها دریافت می‌کند و هم تا خرخره اسلحه از طرف این کشورها؛ شرکتها و یا "علاقه مندان" خرپول که بیشتر نقش پوششی دارند، به کف می‌آورد. جریانهای تروریستی چنانچه از این حمایت سخاوتمندانه ارتجاعی جهانی برخوردار نباشند، هرگز امکان بقاء ندارند. خاصیت بسیج لشکر تروریستی در این است که آنها اجیر قدرتهای بزرگ هستند و هر کجا این قدرتها صلاح بدانند مورد استفاده قرار می‌گیرند.

این افراد به ارتش منظم و یا هویت ملی معینی وابسته نیستند. پیروزی و یا شکست آنها احساسات ملی کشوری را جریحه‌دار نمی‌کند. چون محل اقامت دائمی نداشته و مرتب در حال سفر اند از جانب قوه قضائیه مورد تعقیب قرار نمی‌گیرند. آنها در جنگ منظم شرکت نمی‌کنند در جنگهای نامتقارن دوره می‌بینند و با اشغال شهرها؛ کشتار بی‌حساب و ایجاد رعب و وحشت با ابعاد گسترده تبهکاری و جنایت؛ فضائی مسموم و هولناک ایجاد می‌کنند تا بتوانند در متزلزل کردن حکومت‌های نامطلوب امپریالیستها موفق شوند. تروریسم کور جنایتکار ستون پنجم ارتش منظم امپریالیستی است. آنها به عنوان پیشقراول تخریب و خوف وارد میدان شده و سپس جای خود را به سربازان منظم دشمنان بشریت می‌دهند. بهترین نمونه این آدمکشان حرفه‌ای داعش است. این دارو دسته که مشتی تبهکار از ده‌ها ملیت گوناگون آسیائی؛ اروپائی؛ افریقائی هستند از اقصی نقاط جهان به لیبیا و سوریه گسیل شده‌اند و حتی گروه‌های مخالف یک دیگر نیز به نیابت از جانب سازماندهندگان خویش به جان یک دیگر نیز می‌افتند. مثلاً در لیبیا تا زمانی که تکلیف تقسیم "منصفانه" نفت این کشور میان ممالک امپریالیستی در درجه نخست اروپا معلوم نشود این گروه‌های تروریستی از مبارزه با یک دیگر و قتل مردم غیر نظامی دست برنمی‌دارند. ایجاد یک محیط آشوب‌زده و ناامن از مختصات گروه‌های تروریستی است زیرا چنین وضعی امنیت آنها را تأمین می‌کند.

این باند اوباش آدمکش را به عنوان ارتش آزاد سوریه و "مردم انقلابی" سوریه با تبلیغات گوشخراش به صورت قاچاق و حمایت تدارکاتی امپریالیسم و ارتجاع منطقه به سوریه گسیل داشتند. این اوباش را در اروپا در کشورهای بریتانیا؛ فرانسه؛ آلمان؛ دانمارک؛ هلند؛ سوئد و... پرورش دادند. سالها فعالیت سلفیستها که نوع پوشیده و هابیسم است در این کشورها آزاد بود و از رهبران آنها دعوت می‌شد در برنامه‌های تلویزیونی به دفاع از نظریات خود بپردازند و از این سکوها تبلیغاتی برای جلب مشتری سوءاستفاده کنند. بیش از ۶۰ هزار نفر از آنها را به عنوان اتباع آزادیخواه سوریه از طریق ترکیه و اردن برای انجام عملیات تروریستی به سوریه گسیل داشتند. این گروه‌ها بهترین سلاحهای جنگی؛ خودروهای حمل و نقل؛ اطلاعات ماهواره‌ای؛ اطلاعات جاسوسی؛ تسلط به شبکه مجازی و شرکت‌های مبلغ نظریات جنایتکارانه آنها را به مدت ۸ سال در اختیار داشتند. مبالغ هنگفتی هزینه روزانه آنها بود. این جنایتکاران موزه‌ها را غارت کرده و آثار باستانی را به موزه‌های ممالک امپریالیستی فروختند تا هویت ملی مردم سوریه را نابود کنند. آنها شهر تاریخی حلب را با خاک یکسان کردند و به هر شهری که پا گذاردند به روشنی نشان دادند که هدفشان ساختمان و آبادانی نیست، تخریب و نابودی است. شهری در سوریه نیست که پای این تروریستها به آنجا رسیده باشد و از آن شهر چیزی باقی مانده باشد. آنها حتی زمان فرار و ترک شهرها را بمبگذاری کرده و یا آتش زدند. این تروریسم علاقهای به مردم سوریه ندارد و دلش برای نابودی ثروت آنها نمی‌سوزد.

مردم سوریه نیز این آدمخواران را خوب شناختند و در مقابل آنها ایستادگی کردند. نقبهای زیرزمینی آنها با بتون ساخته شده است و روشن است که این قطعات بتونی باید در کشور دیگری ساخته و با وسیله نقلیه به سوریه حمل شده باشد. باید ماشین‌آلات لازم برای نقب‌زنی در اختیار این جنایتکاران گذارده شده باشد که قادر اند کیلومترها در زیر زمین به نقب‌زنی بپردازند. آنها را به سلاح گاز سمی و تسلیحات کیمیائی مسلح کردند تا از آن برای کشتار مردم سوریه استفاده کنند و با زور تبلیغات امپریالیستی این اقدامات را به گردن حکومت بشار اسد بیندازند. حال این سیاست تروریستی بین‌المللی با شکست کامل در سوریه روبه رو شده است. امریکائی‌ها به‌صورت نیروی متجاوز بخشی از خاک سوریه را اشغال کرده‌اند و هواداران و اعضای مهم داعشی خویش را از سوریه خارج کردند تا از آنها در محلهای مناسب دیگری استفاده کنند. مرز بلوچستان ایران یکی از این مکانهاست.

گُردهای ناسیونال شونیست تجزیه‌طلب سوریه که حتی بخشی از مناطق عرب‌نشین سوریه را اشغال کرده‌اند، همدست امپریالیسم امریکا در منطقه هستند و در همدستی با امریکائیه از کشورهای اروپائی خواسته‌اند که اتباع داعشی خویش را پس بگیرند. گُردهای ناسیونال شونیست مرتجع از هم اکنون وارد معامله جهانی شده و بر سر داد و ستد داعشی آهنگ آن دارند که برای خود مشروعیت کشوری ایجاد کنند. "وزیر امور خارجه" خود خوانده آنها راه مذاکره با دولتهای اروپائی را باز گذارده است. ولی واقعیت این است که این جنایتکاران وارداتی به صورت غیرقانونی وارد خاک سوریه شده و به قتل و غارت مشغول بوده‌اند و باید در سوریه در یک دادگاه علنی محاکمه شوند.

گُردهای همدست امپریالیسم و صهیونیسم در منطقه باید این جنایتکاران را تحویل دولت مشروع؛ قانونی و مرکزی سوریه دهند و نه این که خودشان مشتی تبهکار را به یاری امریکا در بازار مکاره سیاست به فروش بگذارند. تحویل جنایتکاران داعش به اروپا دفاع از داعش است. ایجاد امنیت برای آنها و دادن تأمین به آنان محسوب می‌شود تا در آینده در هر جا که امپریالیستها مناسب دیدند مجدداً از آنها؛ با این تجارب فراوان استفاده کنند. در حالی که محاکمه علنی آنها در سوریه با حضور مطبوعات و رسانه‌های گروهی جهان؛ دست امپریالیستها؛ سازمانها و مؤسسات آنها؛ دست سازمانهای جاسوسی و سیاستمداران آنها را باز خواهد کرد. دادگاههای سوریه در مورد تبهکاران داعش مشهورتر از

دادگاه نورنبرگ خواهد شد. ولی همه امپریالیستها با این کار مخالفند و کردها مأمور تحقق خواستهای این بانیان ترور هستند.

امپریالیسم امریکا باید خاک سوریه را ترک کند و گرنه مردم سوریه آنها را اخراج خواهند کرد. برای کردهای ناسیونال شونیست و خودفروخته سوریه راهی باقی نمی ماند جز این که خودشان در نقش داعش ظاهر شوند و به قدرتهای امپریالیستی به ضد مردم سوریه تکیه کنند. نقشی را که تا به امروز داعش در سوریه بازی می کرد از فردا کردهای ناسیونال شونیست به عهده می گیرند. امروز به پاس مقاومت مردم سوریه و دولت بشار اسد دسیسه داعش در سوریه با شکست روبه رو شده است. نابودی سوریه که جزء ممالک "شر" قرار داشت و مطابق نظر نئوکانها در امریکا باید نابود می شد، با شکست روبه رو شد. امپریالیسم امریکا نتوانست وضعیت لیبیا و یا عراق را در آنجا حاکم کند تا زمینه تجاوز به ایران را فراهم گرداند.

حزب ما بارها گفته و تکرار می کند که شعار "نه غزه و نه لبنان؛ جانم فدای ایران" شعاری ارتجاعی و اسرائیلی است تا سیاست ستراتیژیک امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه متحقق نماید. ممالک سوریه؛ لبنان؛ فلسطین عوامل بازدارنده برای تجاوز به ایران هستند و امریکا هنوز نتوانسته است تمام شرایط مناسب برای تجاوز به ایران را فراهم آورد. سرنوشت مردم سوریه؛ لبنان و فلسطین به یک دیگر گره خورده و مانع بزرگ بر سر راه داعشی کردن منطقه و ایجاد خاورمیانه بزرگ هستند.

ایرانیهای خودفروخته ای که از روز نخست بشار اسد را آماج حمله خویش قرار داده بودند و مدافع داعش محسوب می شدند، همان سیاست را با تغییر لحن در مورد نقش ایران در منطقه ادامه می دهند. این ایرانیهای خود فروخته که هوادار تجاوز امریکا به ایران هستند، نه از نقش ایران در منطقه رضایت دارند و نه از پیشرفتهای ایران در عرصه راکتی. آنها تهدیدات ترمپ و اتحادیه اروپا و شرایط آنها را نشخوار می کنند. حزب ما با هرگونه تجاوز به ایران و تضعیف ایران در منطقه که شرط امنیت آن به شمار می آید مخالف است. مضمون سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی که ما طلب کرده و تبلیغ می کنیم با مضمون سرنگونی رژیم ایران از جانب نتانیاهو و ترمپ ماهیتاً متفاوت است و همین تفاوت آن مرز روشنی است که ما را از دشمنان ایرانی مردم ایران که نقاب "انقلابی" به چهره می زنند و خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به دست امپریالیسم و صهیونیسم هستند جدا می سازد. نگذاریم ایران به جولانگاه داعش و عربستان سعودی بدل شود و سرنوشت لیبیا و سوریه را برایش رقم زنند. این مردم ایران هستند که باید به حساب جمهوری اسلامی برسند و نه دشمنان مردم ایران و خائنان خودفروخته ایرانی.

برگرفته از توفان شماره ۲۲۹ فروردین ماه ۱۳۹۸ - اپریل ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران(توفان)

www.toufan.org